



## تصحیف "استیثاقنا" به "استثناؤنا" و اثر آن در شرح‌ها و ترجمه‌های نهج البلاغه

سیده ریحانه میرلوحی<sup>۱</sup>، سیدعلی میرلوحی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۲

### چکیده

متون قدیم عربی و فارسی در طول تاریخ در اثر استنساخ مکرر و یا سهو القلم کاتبان دستخوش تصحیف و اختلاف فراوان شده و در برخی موارد بیان اختلاف نسخه‌ها حتی چند برابر اصل متن گردیده و این امر به دشواری و درک متن و ترجمه آن انجامیده است.

در این گفتار عبارت "استیثاقنا" در خطبه ۱۲۷ و ۱۷۶ نهج البلاغه که به اشتباه "استثناؤنا" ضبط شده به‌عنوان شاهد تأثیر تصحیف در شرح و ترجمه متون مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نتیجه روشن می‌شود:

۱. بسیاری شارحان و مترجمان نهج البلاغه با کمک سیاق کلام توانسته‌اند همان وجه صحیح عبارت را ترجمه و شرح نمایند.

۲. جناس تصحیف در برخی موارد می‌تواند موجب اشکال و اشتباه در متون قدیم شود.

۳. تصحیف بینا بین متون<sup>\*</sup> در برخی موارد موجب می‌شود متن در دست تصحیح دقیق‌تر و صحیح‌تر ارائه گردد.

**کلید واژه‌ها:** نهج البلاغه، ترجمه، استیثاقنا، استثناؤنا.

۱. استادیار گروه زبان عربی دانشگاه اصفهان

۲. استاد بازنشسته گروه زبان عربی دانشگاه اصفهان

\*: نویسنده مسئول

### مقدمه

یکی از موضوعاتی که در مورد ترجمه متون قدیم تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته موضوع اختلاف و تصحیف یا تحریف نسخه‌های یک متن می‌باشد؛ که نخست فهم نص و آن‌گاه ترجمه‌اش را دچار اشکال می‌گرداند؛ از این‌رو بر مترجمان متون قدیم لازم است برای ترجمه یا شرح و توضیح یک متن به‌دنبال نسخه یا نسخه‌های موثق و اصیل یا نسخه‌های مصحح و منقح آن باشند، و اگر به آن دست نیافتند قبل از آغاز ترجمه به تصحیح و تحقیق آن اقدام نمایند، و پس از آن به کار ترجمه بپردازند؛ تا ترجمه‌ای متقن و اصیل فراهم آورند.

یکی از متون ارزشمند و گهربار اسلامی نهج‌البلاغه است که سیدرضی (ره) در قرن چهارم هجری از سخنان حضرت امام علی (ع) فراهم آورده است، چون بین نسخه‌های متعدد خطی آن و یا بین آن نسخه‌ها و روایت کلام آن حضرت در سایر تألیفات و کتاب‌های تاریخ و حدیث در موارد بسیاری اختلاف وجود دارد؛ که منشأ برخی هم ممکن است تصحیف باشد؛ از این‌رو اثر این اختلاف و تصحیف در ترجمه‌ها منعکس گردیده، و مترجمانی که مقید به ترجمه حرف به حرف هستند بدون توجه به سیاق کلام ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و غالباً نامفهوم ارائه نموده‌اند، و مترجمانی که مقید به فهم نص و ترجمه محتوا بوده‌اند سعی کرده‌اند بدون تقید به ترجمه تحت‌اللفظی محتوا و مضمون آن را بیان کنند؛ و اکنون پیش از ورود به بحث نخست تعریف تصحیف بیان می‌گردد و سپس به پیشینه تصحیف در متون عربی و متون حدیث نبوی شریف و سرانجام در نهج‌البلاغه اشاره می‌شود، و آن‌گاه روش تحقیق و ثابت و متغیرهای پژوهش حاضر و در پی آن اصل تحقیق از نظر پژوهشگران محترم می‌گذرد.

تعریف تصحیف: و آن عبارت است از تشابه خط دو یا چند کلمه به‌گونه‌ای که اگر نقطه یا نقطه‌های یکی از آن دو کلمه حذف یا جابه‌جا شود عین آن کلمه دیگر گردد (ابن حجة الحموی، ۱۴۱۰هـ، ۱۹۹۱م، ج ۱: ۸۵) مانند: (التخلی، ثم التحلی، ثم التجلی: نخست خود را پالیدن و پاک کردن، سپس آراستن به صفات کمال، آن‌گاه درخشیدن)، (الهاشمی، احمد، بی‌تا: ۴۰۴).

### پیشینه تصحیف به‌طور کلی

تصحیف متون قدیم چه عربی و چه فارسی آفتی است که متأسفانه به جان بیشتر نسخه‌های خطی قرن‌های گذشته اسلامی افتاده بوده است و از دیرباز دانشمندان و محققان علوم و ادبیات اسلامی به فکر زدودن این آفت افتاده‌اند که ذیلاً به نام برخی از طلایه‌داران آن اشاره می‌نماییم:

۱. حسن بن عبدالله بن سعید عسکری (۲۹۳-۳۸۲ هـ): وی کتاب التصحیف و التحریف را تألیف نمود. بخشی از این کتاب در سال ۱۳۲۶هـ به چاپ رسید و سپس تمام آن با تحقیق استاد عبدالعزیز احمد سال ۱۳۸۳هـ تجدید چاپ شد (شیرازیان، جمال‌الدین، ۱۳۷۰هـ: ش: ۲۱۱).

۲. علی بن حمزة البصری (م ۳۷۵ هـ) کتاب «التنبيهات على أغاليط الرواة» را تألیف نموده که می‌توان آن را در ردیف کتب تصحیف و تحریف آورد (همان مرجع).  
 ۳. جلال‌الدین سیوطی: وی نوع چهل و سوم کتاب «المزهر فی علوم اللغة و آدابها» را به شناخت تصحیف و تحریف اختصاص داده و شواهد بسیاری از تصحیف در متون عربی نقل کرده است. که در زیر دو نمونه یکی از شعر و دیگری از نثر می‌آید:

❖ «وَذَاتُ هِدْمٍ عَارٍ نَوَاشِرُهَا      تُصِمُّ بِالْمَاءِ تَوَلِّبًا جَدْعًا»

(اوس بن حَجْر، ۱۴۰۶هـ: ۵۵)

«بر او بگرید) زن ژنده‌پوشی که پی‌های ذراعش برهنه است و با آب کودک بد تغذیه‌اش را خاموش می‌کند».

مفضل بن ضبی جَدَع را جَدَع می‌خواند و اصمعی او را تخطئه کرد و گفت جَدَع است (سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۳۶۲). و جَدَع (جوان نورسیده) و جَدَع (ساق نخل و مانند آن در سیاق این بیت مناسب نیست).

❖ مُثَقَّلٌ اسْتَعَانَ بِدَقِيهِ (سنگین باری که از دو پهلوی خود کمک گرفت) این مثل را لِحْيَانِي "بَدَقِيهِ" به جای "دَقِيهِ" قراءت کرد، یعقوب بن سَكَيْت حاضر بود و به او گفت: "بَدَقِيهِ" صحیح است، و لِحْيَانِي شرمنده شد (همان: ۳۶۱).

### پیشینه تصحیف در حدیث

از آن جا که حدیث نبوی تالی تلو قرآن کریم و بلکه مفسر و مبین بسیاری از آیات قرآن کریم و مستند فقه اسلامی می‌باشد و تغییر و تصحیف یک کلمه و جابجایی آن موجب لغزش‌ها و خطاهای بسیار در احکام می‌شود از این رو از دیر باز مورد توجه راویان و محدثان و علمای درایة‌الحدیث بوده است و کتاب‌هایی در این موضوع نگاشته شده که این مبحث گنجایش بسط آن را ندارد و اشاره‌ای به برخی از این تألیفات در زیر می‌آید:

۱. التنبيه على حديث التصحيف از حمزة بن حسن اصفهانی (م ۳۶۰ هـ).

۲. تصحيفات المحدثين از حسن بن عبدالله عسکری (م ۳۸۲ هـ).

نگرانی فقیهان و دانشمندان علوم اسلامی متأخر و معاصر از امر تصحیف و تحریف حدیث آنان را وا داشته تا در لابه‌لای تألیفات فقهی و رجالی خود به آن اشاره نمایند؛ از جمله: علامه وحید بهبهانی می‌نویسد: «... و نیز چه بسا مطلبی از یک روایت افتاده یا تصحیفی روی داده، یا تقدیم و تأخیری یا جز آن واقع شده؛ بلکه در بسیاری از روایات ما این امر به وقوع پیوسته و بر شخص آگاه پنهان نیست (الفوائد

الحائریة: ۱۱۹ نقل شده در مهدوی‌راد، محمدعلی؛ و سیدعلی دلبری، آفت تصحیف در روایات و راهکارهای شناسایی آن، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث: (۱۸)

نظر به این‌که بحث تصحیف در حدیث و روایات موضوعی گسترده و جدای از نهج‌البلاغه فرصت دیگری می‌طلبد از این‌رو به این اشاره اکتفا می‌شود و دو نمونه از تصحیفات حدیث و روایت در زیر می‌آید:

۱. حدیث «أدھنوا غبَّاً»: «دیر به دیر (سر و صورت را) روغن بزیند» که به عبارت «إدھبوا عَنَّا»: «از پیش ما بروید» تصحیف شده است (مهدوی‌راد، محمدعلی، و سیدعلی دلبری، همان: ۲۰).
۲. حدیث «أتَّقوا علی أولادکم فحمة العشاء»: در تاریکی اوائل شب مواظب فرزندان خود باشید، "فحمة" به "فحمة": "گوسفند سالدار" تصحیف شده که مناسبتی با مضاف الیه آن "العشاء" ندارد (سیوطی؛ همان: ۳۶۰).

### پیشینه تصحیف در نهج‌البلاغه

از آن‌جا که سخنان امیرالمؤمنین امام علی بن ابی‌طالب (ع) بعد از قرآن کریم و حدیث نبوی بهترین اثر اسلامی است از دیرباز مورد توجه دانشمندان بوده و سیدرضی (ره) آغازگر گردآوری و جمع خطب و نامه‌ها و کلمات قصار آن حضرت است و پس از وی دانشمندان دیگری در عصر حاضر به بحث از مستندات و مدارک آن پرداخته‌اند که می‌توان از کتاب «مصادر نهج‌البلاغه و اسانیده» تألیف عبدالزهراء الحسینی، و کتاب «مدارک نهج‌البلاغه» تألیف الشیخ هادی آل کاشف الغطاء نام برد (حفنی داود، حامد، بی‌تا: ۱۵).

و نیز اختلاف نسخه‌های قدیم نهج‌البلاغه برخی از پژوهشگران نهج‌البلاغه را بر آن داشت تا موارد اختلاف نسخه‌ها را گرد آوری نمایند و به نقد آنها بپردازند که به چند اثر در این باره اشاره می‌شود:

۱. مقدمه تصحیح نهج‌البلاغه تألیف آقای عزیزاله عطاردی که روش کار تصحیح خود را در این مقدمه بیان کرده‌اند و به برخی از موارد تصحیف اشاره نموده‌اند و کلمه مورد بحث این مقاله نه در مقدمه و نه در نص نهج‌البلاغه تصحیح شده ایشان مورد اشاره قرار نگرفته است. نسخه تصحیح شده مذکور توسط بنیاد نهج‌البلاغه (۱۳۷۲ هـ.ش) در یک چاپ نفیس منتشر شده است.

۲. مقاله «نهج‌البلاغه بین عواصف التحریف والنقصان» نوشته آقای محمدهادی امینی که در نشریه «وقف؛ میراث جاویدان» شماره ۲۵ و ۲۶ بهار و تابستان ۱۳۷۸ هـ.ش: ۱۶۸-۱۷۶، چاپ شده است. که در آن به پاره‌ای از موارد تصحیف و تحریف در نهج‌البلاغه اشاره شده و کلمه مورد بحث این مقاله در آن نیامده است.

۳. مقدمه آقای سیدمحمود مرعشی بر تصویر نسخه خطی کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی (ره) که توسط بنیاد نهج‌البلاغه سال ۱۴۰۶ هـ.ق منتشر شده است. مؤلف در این مقدمه به بحث پیرامون امتیازات نسخه

مذکور پرداخته و از باب نمونه اختلافات خطبه جهاد (۲۷) را در این نسخه با برخی نسخه‌های چاپی به ثبت رسانیده تا دلیلی بر صحت و اتقان آن باشد.

### روش پژوهش در این تحقیق و متغیرهای آن

این بحث از روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی ترکیب شده است به این شرح که نخست نص نهج البلاغه و شرح‌ها و ترجمه‌های گوناگون آن گردآوری شد و سپس نگارندگان به مقایسه و تحلیل مضامین آن پرداخته و نتایج حاصل شد که در پایان خواهد آمد.

### متغیرهای این تحقیق

با تحلیل دو خطبه ۱۲۷ و ۱۷۶ نهج البلاغه و سیاق کلام امام علی(ع) می‌توان از مفهوم عهد و پیمان به عنوان امر ثابت این بحث نام برد و در نتیجه متغیرهای آن را دو وجه "استیثاقنا" و "استثناؤنا" شمرد. و توابع این دو متغیر عبارت است از وجوه شرح و ترجمه‌های گوناگونی که بررسی شده است. پس از این مقدمه کوتاه درباره پیشینه بحث اصل آن یعنی بررسی و مقایسه "استثناؤنا" وجه مضبوط در نسخه‌های چاپی نهج البلاغه و عبارت "استیثاقنا" وجه مضبوط در تاریخ طبری هم ثبت شده در نسخه خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی(ره) و شرح‌ها و ترجمه‌های مختلف آن عبارت مطرح می‌شود.

### نص خطبه ۱۷۶ در نهج البلاغه (فیض الاسلام، ۱۳۷۷ش: ۵۶۸)

«فَأَجْمَعُ رَأْيَ مَلِكِكُمْ عَلَيَّ أَنْ اخْتَارُوا رَجُلَيْنِ فَأَخَذْنَا عَلَيْهِمَا أَنْ يُجْعَعَا عِنْدَ الْقُرْآنِ وَلَا يُجَاوِزَاهُ وَتَكُونَ أَلْسِنَتُهُمَا مَعَهُ وَقُلُوبُهُمَا تَبَعَهُ فَتَاهَا عَنْهُ وَتَرَكَ الْحَقَّ وَهَمَا يُبَصِّرَانَهُ وَكَانَ الْجَوْرُ هَوَاهُمَا وَالْإِعْوَجَاجُ رَأْيَهُمَا وَوَقَدْ سَبَقَ اسْتِثْنَاؤُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْحُكْمِ بِالْعَدْلِ وَالْعَمَلِ بِالْحَقِّ سَوْءَ رَأْيِهِمَا وَجَوْرَ حُكْمِهِمَا وَالثَّقَّةُ فِي أَيْدِينَا لِأَنْفُسِنَا حِينَ خَالَفَا سَبِيلَ الْحَقِّ وَأَتَيَا بِمَا لَا يُعْرَفُ مِنْ مَعَكُوسِ الْحُكْمِ»: رأی بزرگان شما بر این شد که دو نفر را بر گزینند؛ ما بر آن دو شرط کردیم که در جایگاه قرآن فرود آیند و از حکم آن تجاوز نکنند، و زبانشان با قرآن و دل‌هایشان همراه آن باشد، آن دو تن از قرآن روی گردانیدند، و حق را رها کردند با وجودی که آن را می‌دیدند، و میل آن دو با ستمکاری بود و رأیشان بر انحراف؛ و ما پیش از این که به کژی رأی دهند و به ستم حکم کنند از ایشان پیمان گرفتیم<sup>۱</sup> که به عدالت و حق عمل نمایند، و آن مدرکی که در دست داریم گواه ماست آن هنگامی که با راه حق مخالفت کردند و حکم واژگونه‌ای آوردند که قابل قبول و اعتراف نیست».

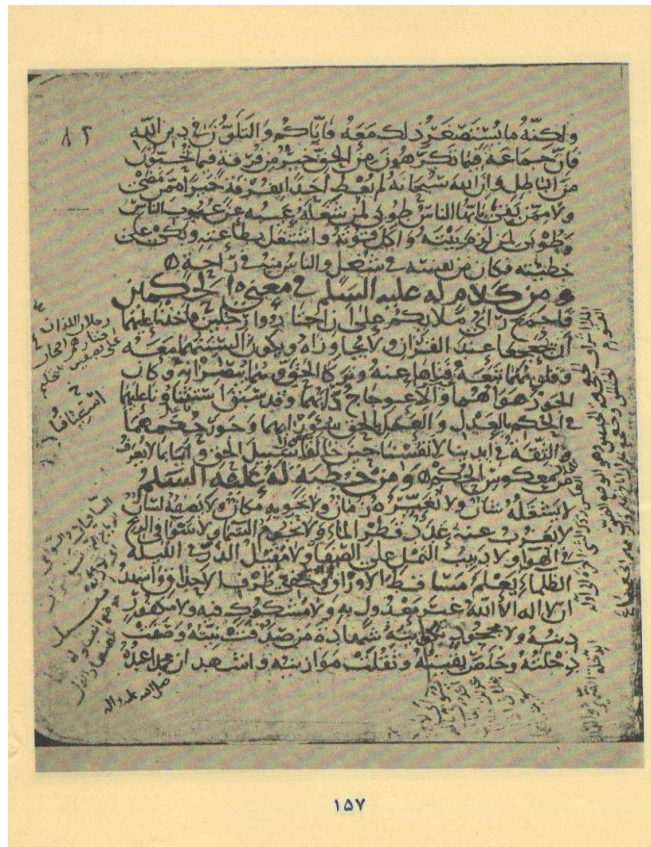
۱. در ترجمه عبارت "استیثاقنا" منظور شد.

نص خطبه ۱۲۷ در نهج البلاغه (همان: ۳۸۴)

«إِنَّمَا اجْتَمَعَ رَأْيَ مَلَّتِكُمْ عَلَى اخْتِيَارِ رَجُلَيْنِ أَخَذْنَا عَلَيْهِمَا أَنْ لَا يَتَعَدَيَا الْقُرْآنَ فَتَاهَا عَنْهُ وَتَرَكَمَا الْحَقَّ وَهُمَا يُبَصِّرَانِهِ وَكَانَ الْجَوْرُ هَوَاهُمَا فَمَضِيَا عَلَيْهِ وَقَدْ سَبَقَ اسْتِثْنَاؤُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْحُكُومَةِ بِالْعَدْلِ وَالصَّمَدِ لِلْحَقِّ سَوْءَ رَأْيِهِمَا وَجَوْرَ حُكْمِهِمَا: هَمَانَا رَأَى بزرگان شما بر گزینش دو مردی قرار گرفت که با آنها شرط کردیم از حکم قرآن تجاوز نکنند؛ ولی آن دو از حکم قرآن به گمراهی روی گردانیدند، و حق را رها کردند؛ با وجودی که آن را می‌دیدند، و میل آنها با ستم بود و به راه ستم رفتند، و پیش از آن که رأی کژ دهند و به ستم حکم کنند از آن دو پیمان گرفتیم که به عدالت حکم کنند و برای حق پایدار باشند».

نص خطبه ۱۷۶ در نسخه خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره)

در این نسخه (ص ۱۵۷) چنان که در تصویر ضمیمه ملاحظه می‌شود در متن عبارت "استثناؤنا" و در حاشیه عبارت "استیثاقنا" ثبت شده است.



### نص این خطبه به روایت طبری (۱۴۰۳ق، ج ۴: ۶۳)

طبری (همان) در بیان حوادث سال سی و هفتم هجری درباره‌ی خوارج نهروان به نقل از ابومخنف به نقل از ابوسلمه زُهری آورده است که امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به خوارج نهروان گفت: «يا هؤلاء إن أنفسكم سَوَّلت لكم فراق هذه الحكومة التي أنتم ابتدأتموها وسألتموها وأنا لها كاره..»: ای جماعت به درستی که هواهای نفسانی شما را در مورد ترک این حکمیت به وسوسه انداخت؛ حکمیتی که شما پیشنهاد دهنده آن بودید و من آن را خوش نداشتم...» و در ادامه این خطبه به عبارت مورد بحث این مقاله می‌رسد و آن را چنین نقل می‌کند: «... فأجمع رأيي مَلَئكم على أن اختاروا رجُلين فأخذنا عليهما أن يحكما بما في القرآن ولا يعدوا فتاها وتركا الحقَّ وهما يُبصرانه وكان الجورُ هَواهما وقد سبق استيثاقنا عليهما في الحكم بالعدل والصِّمد للحق سوء رأيهما وجور حكمهما».

چنان‌که ملاحظه می‌شود عبارت مورد بحث در این روایت که موافق با نسخه بدل کتابخانه مذکور است، "استيثاقنا"\* می‌باشد و بنابه دلایل زیر این وجه صحیح و وجه مندرج در نهج البلاغه "استثاؤنا" تصحیف است:

۱. با آغاز سخن؛ آن‌جا که می‌فرماید «فأخذنا عليهما» سازگار است؛ زیرا در حقیقت معنای «أخذ عليه كذا: بر او چنین امری را شرط کرد» و معنای «استوثق منه كذا: از او در مورد فلان امر پیمان گرفت» یکسان است.

۲. با پایان کلام آن‌جا که می‌فرماید «والثقة في أيدينا لأنفسنا: وآن مدرکی که در دست داریم گواه ماست» متناسب است؛ زیرا کلمه "الثقة" نیز اشاره به "استيثاق" و اخذ میثاق و پیمان از دو نفر حکم دارد.

۳. با عبارت "استوثقت" که در کلام دیگر آن حضرت (طبری، همان، ۴: ۶۲)<sup>۱</sup> درباره موضوع حکمیت و در خطاب به خوارج نهروان وارد شده نیز تطابق دارد.

و ملاحظه می‌شود که از این عبارت ترجمه‌ای صحیح و بدون اشکال به شکل زیر یا مشابه آن خواهیم داشت:

«و به تحقیق پیش از این که به ستم حکم کنند، و به ناروا رأی دهند از ایشان پیمان گرفتیم که به عدل حکم کنند و برای حق پا بر جا باشند (یا آهنگ حق کنند)».

حال باز می‌گردیم به نص کلام امام علی(ع) در خطبه ۱۷۶ و خطبه ۱۲۷ که در آن‌ها "استثاؤنا" به جای "استيثاقنا" ضبط شده، و درباره صحت یا تصحیف آن و تأویل و توجیه شارحان و دریافت مترجمان

۱. استيثاق مصدر باب استفعال است و در اصل استوثاق بوده، و او طبق قاعده اعلال قلب به یاء شده است. و آن به معنای پیمان گرفتن و وثیقه گرفتن از کسی است، گفته می‌شود: «استوثقتُ من فلان» از فلانی وثیقه و تضمین گرفتم (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۵۱ و أنیس، إبراهيم و دیگران، ۱۳۹۳هـ، ج ۲: ۱۰۱۱ و الجوهري، ۱۳۷۶هـ، ج ۴: ۱۵۶۳ و فیروزآبادی، محمد، ۱۴۱۵هـ: ۸۳۵).

از آن به بحث پردازیم؛ چنان که گذشت نصّ کلامی که عبارت مورد بحث در آن قرار گرفته چنین است: «وقد سبق استثناؤنا علیهما فی الحکم بالعدل والعمل بالحق سوء رأیهما وجور حکمهما...».

اکنون ببینیم لفظ "استثناء" در سیاق این کلام می‌تواند کاربرد معنایی صحیحی داشته باشد؟ و یا تصحیف از "استیثاق" است؛ از این رو نخست به شرح این واژه می‌پردازیم، و آن‌گاه مصداق داشتن یا نداشتن آن را در این کلام به بحث می‌گذاریم:

در فرهنگ "المعجم الوسیط" کلمه "استثناء" را در ذیل ریشه "ث ن ی" آورده و توضیح داده است: «ثنی الشیء - ثنیاً: عطفه ورداً بعضه علی بعض: چیزی را دوتا کرد، و بخشی از آن را روی بخشی دیگر قرار داد». «استثنی الشیء: أخرجه من قاعدة عامّة أو حکم عام: چیزی را از یک قاعده کلی یا حکم کلی خارج ساخت». و در معجم مقاییس اللغة (همان ریشه) آمده است: «الثاء والنون والياء أصل واحد؛ وهو تکریر الشیء مرتین أو جعله شیئین متوالیین أو متباینین؛ وذلك قولک: "ثَبَّيْتُ الشَّيْءَ ثَنِيًّا" و معنی الاستثناء من قیاس الباب؛ و ذلك أنّ ذکره يُثَنِّي مرّةً فی الجملة ومرّةً فی التفصیل: ثاء و نون و یاء یک اصل است [یعنی دارای یک معنی است] و آن عبارت از تکرار چیزی به دو بار است، و یا آن را دو چیز پی در پی یا متباین و مجزاً قرار دادن است و از آن معنی می‌گویی "ثَبَّيْتُ الشَّيْءَ ثَنِيًّا" (چیزی را دو تا کردم)؛ و معنای استثناء داخل در قاعده همین باب است؛ زیرا سخن از یک امر دو بار به میان آمده است؛ یک بار در حکم کلی و عامّ و یک بار به تفصیل و به صورت جزئی (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ ق) و در لسان العرب (بی تا، ج ۱۸: ۱۲۵) آمده است: «استثنیتُ الشیء من الشیء: حاشيته<sup>۱</sup> (چیزی را از چیز دیگر مستثنی کردم).

اینک با توجه به معنی و استعمال لغوی "استثناء" صحت کار برد آن را در این کلام از نظر نحوی، بلاغی و معنایی مورد بحث قرار می‌دهیم:

از نظر نحوی؛ همان‌گونه که از پیش اشاره شد لفظ استثناء دو مفعول می‌گیرد؛ یکی بدون واسطه و دیگری با واسطه "من"؛ در حالی که در این عبارت مفعول با واسطه با "علی" به کار رفته است، و چنین استعمالی در فرهنگ‌های لغت معتبر نیامده است. از نظر معنایی براساس این روایت "استثناؤنا" در عبارت «وقد سبق استثناؤنا علیهما...» این است: پیش از این که آن دو تن رأی کز و حکم ستمکارانه خود را در حکمیت اظهار نمایند ما ایشان را در حکم به عدل و عمل به حق استثنا کردیم، و مقتضای این معنی آن است که در کلام سابقه‌ای از حکمی صریح که ایشان از آن استثناء شده باشند وجود داشته باشد؛ در حالی که نه در آغاز دو خطبه یاد شده در نهج البلاغه و نه در کلام دیگر آن حضرت در همین مقام، و خطاب به همین گروه (خوارج) حکم و استثناء صریحی وجود ندارد.

۱. حاشیته مرادف "استثنیته" می‌باشد. متکلم وحده است از فعل «حاشا من القوم فلاناً» (فلانی را از آن گروه مستثنی کرد) (انیس،

ابراهیم و دیگران، همان: ج ۱: ۱۷۷)



و از نظر بلاغی "استثناء" به معنایی که بیان شد به یکی از دو روش بیان می‌شود: نخست با به کار بردن مشتقات استثناء مانند این حدیث: «الشهداء ثبته الله في الأرض» (شهیدان کسانی هستند که خداوند متعال ایشان را از دهشت نفع صور مستثنی کرده است) (ابن منظور، همان، ج ۱۸: ۱۳۵). ثبته در این حدیث اسم و به معنای مستثنی می‌باشد.

دوم: با به کارگیری برخی ادوات استثناء که یکی از روش‌های قصر (حصر) و از ابواب علم معانی می‌باشد، و شایع‌ترین آن ادوات "ما...إلّا" و "إنّما..." است مثال‌ها به ترتیب:

«وما المرءُ إلّا الأصغران لسانه ومعقوله والجسمُ خلق مصورٌ»

(شخصیت آدمی تحقق ندارد مگر با دو عضو کوچکش؛ زبان و عقل (قلب) و جسم وی مجسمه‌ای بیش نیست) (الهاشمی، احمد؛ بی تا: ۱۸۴).

«وما الحياة الدنيا إلّا لعبٌ ولهو» (الأنعام ۶: ۳۲)

«وإنّما الأممُ الأخلاقُ ما بقيت وإن هم ذهبت أخلاقُهُم ذهبوا»

(همانا تنها اخلاق شاخص ملت‌هاست؛ تا اخلاقشان باقی است پابر جایند، و هرگاه اخلاقشان بر باد رفت خود نیز از بین می‌روند) (الهاشمی، احمد؛ همان: ۱۸۷).

«إنّما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا...» (المائدة ۵: ۵۵).

نظر شارحان نهج البلاغه درباره‌ی مفهوم و معنای "استثناؤنا":

از بررسی و مطالعه شرح‌های نهج البلاغه سه نظر درباره‌ی معنی و مفهوم "استثناؤنا" می‌توان استنباط نمود:

۱. استثناء به معنی و مفهوم شرط؛ چنان‌که در منهاج البراعة علّامه خوئی (۱۳۸۱ق، ج ۱۰: ۲۴۴) در شرح این عبارت آمده است: «أراد ما كان شرطه على الحكمين حين عزموا على التحكيم أن يحكما بما حكم القرآن وإلّا فلا يُنفذ حكمهما فيه و في أصحابه: مقصود آن حضرت از استثناء در وقتی که تصمیم بر حکمیت گرفتند-شرطی است که بر آن دو حکم قرار داد؛ که حکم کنند به حکم قرآن، و آن‌چه خدا در قرآن نازل کرده از آغاز تا پایان؛ وگرنه حکم آنها درباره‌ی امام (ع) و یارانش اجراشدنی نیست»؛ و نیز مراجعه شود به: (ابن میثم ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۸۶)، و (قزوینی، ۱۳۸۰ش، ج ۲: ۲۰۱) و (موسوی ج ۳: ۱۵۴).

۲. استثناء به معنای مقرر: «أى وكان المقرّر أن يحكما بالعدل؛ لا أن يُسيئا الرأى فى حُكْمِهما حَسَبَ شَهَوَاتِهما وأهوائِهما: مقرر بود که به عدل حکم کنند؛ نه اینکه رأى کتر آورند و مطابق امیال و دلخواسته‌های خود حکم کنند» (الحسینی الشیرازی، بی تا، ج ۳: ۷۵).

۳. استثناء به مفهوم اصطلاحی آن - که حاکی از یک اسلوب کلامی مشتمل بر مستثنی و مستثنی منه و أدات استثناء می‌باشد - بیان شده است؛ چنان که در شرح عبده (بی‌تا، ج: ۱، ۳۵۳) و ابوالفضل ابراهیم (۱۴۱۶ق، ج: ۱، ۴۲۲) آمده است: «أى إن استثنائنا وقت التحكيم حيث قلنا: "لا تحكما إلّا بالعدل" كان سابقاً على سوء الرأي وجور الحكم». یعنی «استثناء ما هنگام حکمیت که گفتیم: "جز به عدالت حکم نکنید" بر رأی کژ و حکم جابرانه شان مقدّم بود».

### نقد و بررسی این سه نظر درباره‌ی "استثاؤنا":

تفسیر استثناء به مفهوم و معنای شرط (وجه اول) و یا به معنای قرار (وجه دوم) نمی‌تواند تفسیر درستی برای این عبارت باشد، و این امر واضح و روشن است، زیرا دو واژه در مقایسه با یکدیگر یا مترادفند و یا متضاد و یا متخالف؛ مترادف مانند «انسان و بشر» متضاد مانند «ابيض و اسود» متخالف مانند «حق و جهل» (الساحلی، منی سلیمان، ۱۴۱۶ هـ ق: ۲۱). و مقایسه دو واژه شرط و استثناء و تعریف آنها روشن می‌نماید که میان آنها تخالف است. تفسیر آن به مفهوم اصطلاحی که حاکی از معنی و مفهوم حصر است (وجه سوم) نیز نمی‌تواند تفسیر مناسبی برای این عبارت باشد؛ زیرا در آن صورت باید در نصّ این کلام اسلوب حصر (ما وإلّا ویا إنّما) و یا عبارتی نظیر آن به کار می‌رفت؛ درحالی که در سابقه کلام امام علی (ع) راجع به دو حکم در جنگ صفین نه در این خطبه و نه در بیانات دیگر آن حضرت عبارتی که در آن اسلوب استثناء نظیر «لا تحکماً إلّا بالعدل» به کار رفته باشد و چنان که در وجه سوم بیان شد وجود ندارد علاوه بر این که دلالت عبارت «وقد سبق استثاؤنا علیهما...» بر وجه سوم هم غرابت دارد، و هم تعقید<sup>۱</sup>؛ غرابت از این جهت که معنای متبادر به ذهن از آن تفسیق دو حکم است و نه توصیه به حکم به عدل، تعقید از آن جهت که با وسائط بسیار و لوازم بعیده باید عبارت «وقد سبق...» را حمل بر معنای «لا تحکماً إلّا بالعدل» نمود. و اگر چنین معنایی مراد کلام امام علی (ع) بود شایسته بود در عبارتی نظیر «وقد سبق قولنا لهم لا تحکماً إلّا بالعدل...» بیان می‌شد. و برعکس اگر عبارت "استثاقنا" را جایگزین قرار دهیم نه غرابت دارد و نه تعقید وهم با سابقه کلام آن حضرت در این امر انسجام کامل دارد (همین مقاله: ۸)

ووجه مختلف ترجمه فارسی عبارت "استثاؤنا":

مترجمان فارسی نهج‌البلاغه این عبارت را به وجوه مختلفی ترجمه کرده‌اند که در شش وجه زیر خلاصه می‌شود:

۱. غرابت (الغرابة): یکی از عیوب فصاحت کلمه است، و آن به معنای دور بودن معنا از ذهن است. تعقید: یکی از عیوب فصاحت کلام است و آن بر دو قسم می‌باشد: لفظی و معنایی. لفظی به سبب در هم ریختگی نظم اجزاء جمله است، و تعقید معنوی که در این بحث مطرح می‌باشد عبارت است از انتقال از معنای اولی کلمه به معنای ثانوی آن با لوازم و وسائط بعید (تفتازانی، ۱۳۷۴هـ: ۸).

۱. ترجمه به شرط؛ نمونه- از (جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۱: ۵۴۵)-: «...و پیش از این که تصمیم به حکمیت ناروا بگیرند و رأی باطل صادر کنند ما شرط کردیم که حکم بر مبنای عدل کنند و عمل به حق نمایند» و نیز مراجعه شود به: (آقامیرزائی، ۱۳۷۹ش، ج ۱: ۱۹۲)، (آیتی، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۴۲۱)، (احمدزاده، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۱۶۹) و (أرفع، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۶۳۹).
۲. ترجمه به لفظ "استثناء"؛ نمونه- از (اردبیلی، بی تا، ۱۷۹)-: «و به تحقیق که گذشت مستثنی کردن ما بر آن دو مرد در حکم کردن به عدل و عمل نمودن به حق بدی اندیشه ایشان را و ستم نمودن در حکم کردن ایشان»؛ و نیز مراجعه شود به: (انصاری، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۴۹۰)، (اولیائی، بی تا، ج ۱: ۱۶۳۰)، (جوینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱: ۴۳۵)، (خوئی، ۱۳۶۱ش، ج ۱: ۲۴۵)، (شرقی، ۱۳۶۹ش، ج ۱: ۲۲۵)، و (کاشانی، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۸۳۶).
۳. ترجمه "استثناء" به "شرط و استثناء"؛ نمونه- از (فقیهی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۳۳۳)-: «و به تحقیق استثناء و شرطی که با آن دو نفر قرار دادیم که حکمشان از روی عدل و عمل به حق باشد بر رأی بد ایشان و حکم ظالمانه شان مقدم بود». و نیز مراجعه شود به: (معادیخواه، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۳۳۳).
۴. ترجمه به "قرار"؛ نمونه- از فیض الاسلام (همان، ج ۱: ۵۷۸)-: «قرار ما با آنان در دادن حکم به راستی و درستی و عمل به قرآن به اندیشه و حکمی که از روی ظلم و ستم دادند پیشی گرفت». نیز مراجعه شود به: (شریعت، ۱۳۶۰ش، ج ۱: ۲۵۶).
۵. ترجمه به "یادآوری"؛ نمونه- از مقیمی-: «درحالی که ما پیش از این یادآور شده بودیم که باید این حکمیت به پیروی از قرآن باشد؛ نه از روی رأی و حکم ناشایسته خودشان». و نیز رجوع شود به: (شاهین، ۱۳۶۱ش، ج ۱: ۴۶۴).
۶. ترجمه به "تعهد" یا "پیمان" یا "عهد"؛
  - ترجمه به تعهد (انصاریان، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۰۴): «تعهد ما با آنان در حکم کردن به عدالت و عمل به حق پیش از رأی زشت و حکم جائزانه آنان بود». و نیز مراجعه شود به: (زمانی، ۱۳۷۶ش، ج ۱: ۴۳۶).
  - ترجمه به "پیمان" (منصوری، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۵۷۴) و (شیرازی، ۱۴۰۱ق: ۳۹۸) «ما از اول از آنها پیمان گرفتیم که در حکمیت به حق رأی بدهند و به عدالت رفتار نمایند».
  - ترجمه به "عهد" (سپهرخراسانی، ۱۳۷۵ش، ج ۱: ۷۹۱): «و ما از پیش به آنها عهد کرده بودیم که رأی آنان را می‌پذیریم به شرطی که از روی عدالت و حق باشد».
 وجوه شش گانه فوق از ترجمه‌های مورد بررسی ذکر شده به دست آمده است که اکنون به ترتیب به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:
  - وجه اول (ترجمه به شرط): به هیچ وجه مناسب با نص "استثناؤنا" نمی‌باشد؛ هر چند مترجمان از سیاق کلام به تصحیف آن عبارت توجه نموده، و براساس شواهد و قرائن عبارت را ترجمه کرده‌اند، و این ترجمه تا حدی به نص صحیح "استثناؤنا" نزدیک است.
  - وجه دوم (ترجمه به استثناء): ترجمه‌ای کاملاً تحت‌اللفظی است، و مفهومی واضح را بیان نمی‌کند.

وجه سوم (ترجمه به شرط و استثناء): تلفیقی است از وجه اول و وجه دوم؛ و شاید تردید در صحت این عبارت ایشان را به جمع بین دو کلمه "شرط" و "استثناء" وا داشته است. وجه چهارم (ترجمه به قرار): هرچند مانند وجه اول تا حدی به مفهوم نص صحیح تصحیف نشده نزدیک است، اما با نص "استثناؤنا" به هیچ وجه مطابقت ندارد. وجه پنجم (ترجمه به یادآوری) کاملاً از نص موجود در نهج البلاغه (نص تصحیف شده) به دور است، و به هیچ وجه نمی‌تواند ترجمه آن باشد، و نه به بیان مفهوم عبارت صحیح تصحیف نشده نزدیک است. وجه ششم (ترجمه به تعهد یا پیمان یا عهد) مانند وجه اول و چهارم از نص استثناؤنا کاملاً دور است، و دقیقاً ترجمه مفهوم استیثاقنا می‌باشد، در حقیقت مترجمان از روی سیاق و قرائن بدون توجه به نص موجود در نهج البلاغه آن را ترجمه نموده‌اند.

همان‌گونه که در مقدمه این گفتار اشاره شد تصحیف عبارت "استیثاقنا" به "استثناؤنا" نه تنها در خطبه ۱۷۶ رخ داده؛ بلکه در خطبه ۱۲۷ نیز تکرار شده است؛ که لازم است نخست به بیان شرح‌ها و ترجمه‌ها در این خطبه و مقایسه آنها با شرح‌ها و ترجمه‌های خطبه دیگر بپردازیم، تا هم بحث و تحقیق کامل شود و ضمناً دانسته شود کدام یک از شارحان و مترجمان در شرح و ترجمه خطبه ۱۷۶ به شرح و ترجمه این عبارت در خطبه ۱۲۷ توجه داشته‌اند، و کدام بی‌توجه بوده‌اند؛ و در نتیجه شرح یا ترجمه ایشان در دو مورد هماهنگ یا مختلف است؛ و اینک به بیان شرح‌های عبارت استثناؤنا و سپس ترجمه‌های آن در این خطبه می‌پردازیم:

### بیان شارحان درباره استثناؤنا در خطبه ۱۲۷

۱. تفسیر به شرط؛ نمونه- از (خوئی ۱۳۸۱ق، ج ۸: ۲۰۱)- «یعنی انا شرطنا فی کتاب الصلح ان لا يتجاوزا حکم القرآن...»: مقصود این است که ما در عهدنامه صلح بر آن دو تن شرط کردیم که در داوری از حکم قرآن تجاوز نکنند. و همانند این شرح است شرح ابن ابی‌الحدید (۱۳۷۸ش، ج ۸: ۱۲۴)، و انصاری (۱۳۷۸ش، ج ۳: ۱۴۰)، و محمدی‌مقدم (۱۳۶۵ش، ج ۳: ۲۴۴).

۲. تفسیر به همان لفظ استثناء؛ نمونه- از الحسینی الشیرازی (بی تا، ج ۲: ۲۷۴)-: «أی ان تفویضنا لهما لم یکن مطلقاً بل استثنینا العمل برأیها»: یعنی واگذاری داوری در آن موضوع به آن دو تن بی‌قید و شرط نبود؛ بلکه عمل به رأیشان را استثناء کردیم. و نیز مراجعه شود به جعفری (۱۳۷۲ش، ج ۲۲: ۱۳۷)، و مدرس وحید (ج ۸: ۱۷۴).

۳. تفسیر به استثناء و شرط؛ نمونه- از موسوی (۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۶۲)- «فاضطراً الإمامُ إلى أن یشرطَ علی الحکمین أن یحکموا بالعدل و الحق و إلا فلا حکم لهما؛ فکان هذا الاستثناء مُعذراً له...»: پس امام (ع) ناگزیر شد که بر آن دو حکم شرط کند که به عدل و حق داوری کنند، وگرنه حق داوری ندارند، پس این استثناء

تثبیت عذری برای آن حضرت در ردّ داوری آن دو تن است». و نیز مراجعه شود به ابن میثم (۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۳۶)، و قزوینی (۱۳۸۰ش، ج ۱: ۴۵۲).

### مقایسه شرح‌های عبارت "استثناؤنا" در دو خطبه ۱۲۷ و ۱۷۶:

شارحان عبارت فوق به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

**الف.** گروهی که تفسیر و شرح صریحی برای این عبارت در هیچ‌یک از دو خطبه نیاورده‌اند، و شرح کلامی که عبارت مورد بحث در آن وجود دارد را به صورت کلی بیان کرده‌اند؛ از جمله: انصاریان (۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۲۶ و ج ۲: ۱۷۷)، و بیهقی (۱۳۷۵ش، ج ۱: ۲۱۹ و ۲۹۷)، و زمانی (۱۳۷۶ش، ج ۱: ۳۳۵، ج ۲: ۲۹۱)، و راوندی (۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۴ و ۱۱۷۱)، و سرخسی (۱۳۶۶ش، ج ۱: ۱۲۴ و ۱۲۶)، و بیهقی (۱۳۷۵ش، ج ۱: ۵۸۳، ج ۲: ۸۹).

**ب.** گروهی که شرح ایشان از نظر تعبیر و مفهوم در دو خطبه یکسان است؛ که به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- شارحانی که استثناء را در دو خطبه به شرط تفسیر کرده‌اند؛ رجوع شود به خوئی (۱۳۸۱ق، ج ۸: ۲۰۱ و ج ۱۰: ۲۴۴) و محمدی (۱۳۶۵ش، ج ۳: ۲۴۴ و ۶۷۲).

- شارحانی که استثناء را به خود استثناء تفسیر کرده‌اند؛ رجوع شود به قزوینی (۱۳۸۰ش، ج ۱: ۴۵۲ و ج ۲: ۲۰۱).

**ج.** گروهی که شرحشان در دو خطبه مختلف است؛ که به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- شارحانی که استثناء را در خطبه ۱۲۷ به استثناء و در خطبه دیگر به مقرر تفسیر کرده‌اند؛ رجوع شود به: الحسینی الشیرازی (بی‌تا، ج ۲: ۲۷۴ و ج ۳: ۷۵) و انصاری قمی (ترجمه منظوم، ج ۳: ۱۴۴)

- شارحانی که استثناء را در خطبه ۱۲۷ به شرط و استثناء و در خطبه دیگر به شرط بیان کرده‌اند؛ رجوع شود به: موسوی (۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۶۲ و ج ۳: ۱۵۴).

**د.** شارحانی که در یک خطبه برای عبارت "استثناؤنا" تفسیری آورده‌اند و در خطبه دیگر صریحاً برای آن شرحی ذکر نکرده‌اند؛ که اینان به نوبت خود به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- تفسیر به "شرط" در خطبه ۱۲۷، و بدون شرح در خطبه ۱۷۶. رجوع شود به: ابن‌ابی‌الحدید (۱۳۷۸ش، ج ۸: ۱۲۴، ج ۱۰: ۵۵).

- تفسیر به "استثناء" در خطبه ۱۲۷، و بدون شرح در خطبه ۱۷۶. رجوع شود به: جعفری (۱۳۷۶ش، ج ۲۶: ۱۳۷ و ج ۲۷: ۱۲۹).

- بدون شرح در خطبه ۱۲۷ و تفسیر به استثناء در خطبه ۱۷۶. رجوع شود به: عبده (بی‌تا، ج ۱: ۲۶۲ و ۳۵۳)، و ابوالفضل ابراهیم (۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۹۶ و ۴۲۲).

اکنون ببینیم مترجمان این عبارت را در خطبه ۱۲۷ چگونه ترجمه کرده‌اند، و آیا ترجمه‌شان در این جا با ترجمه‌شان در خطبه ۱۷۶ همخوان است یا اختلاف دارد؟ برای این منظور نخست وجوه به دست آمده از ترجمه‌های مختلف به شرح زیر بیان می‌شود، و آن گاه به مقایسه آنها می‌پردازیم:

- ترجمه به "استثناء": نمونه- از خوئی (۱۳۸۱ش، ج ۸: ۲۰۲)-: «و حال آن که سابق شد استثنا کردن ما بر ایشان در حکم کردن به عدالت سوء رأی ایشان را و جور حکم ایشان را»، و نیز مراجعه شود به: جعفری (۱۳۷۶ش، ج ۱: ۳۸۲)؛ و شرقی (۱۳۶۹ش، ج ۱: ۱۳۷)، و شیرازی (۱۴۰۱ق، ج ۱: ۲۷۳).

- ترجمه تحت‌اللفظی استثناء؛ نمونه- از تصحیح جوینی (۱۳۶۸ش، ج ۱: ۲۹۳)-: «و به درستی که پیشی گرفت بیرون آوردن ما بر ایشان در حکومت کردن به عدل و قصد کردن برای حق بدی رأی ایشان و جور حکم ایشان را». و نیز رجوع شود به: اردبیلی (بی‌تا، ج ۱: ۱۲۲)، و کاشانی (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۶۰۵).

- ترجمه به شرط؛ نمونه- از انصاریان (۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۸۵)-: «در صورتی که پیش از این با آنها شرط کرده بودیم که رأی شما بر طبق عدالت و حق باشد». و نیز مراجعه شود به: دشتی، (۱۳۷۶ش: ۶۶)، و فقهی (۱۳۷۴ش، ج ۱: ۲۵۴)، و معادینخواه (۱۳۷۴ش، ج ۱: ۲۱۵).

- ترجمه به عهد یا پیمان؛ نمونه- از آیتی (۱۳۷۷ش، ج ۱: ۲۹۵)-: «و ما پیش از آن که رأی ناصواب خود را آشکار کنند و حکمی ظالمانه دهند از ایشان پیمان گرفته بودیم که در حکمیت حق و عدالت را رعایت کنند». و نیز رجوع شود به: آقامیرزائی (۱۳۷۹ش، ج ۱: ۱۲۲)، و احمدزاده (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۱۱۶)، و أرفع (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۴۵۲)، و اولیائی (بی‌تا، ج ۱: ۴۳۷)، و زمانی (۱۳۷۶ش، ج ۱: ۲۹۲)، و شاهین (۱۳۶۱ش، ج ۱: ۳۳۳)، و شریعت (۱۳۶۰ش، ج ۱: ۱۸۵)، و شهیدی (۱۳۶۸ش: ۱۲۵)، و عابدینی (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۲۵۱)، و فیض‌الاسلام (۱۳۷۷ش، ج ۱: ۳۹۳)، و مبشری (۱۳۶۶ش، ج ۱: ۴۵۸)، و منصوری (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۴۶۲).

مقایسه ترجمه‌های عبارت "استثناؤنا" در دو خطبه ۱۲۷ و ۱۷۶:

از مقایسه ترجمه‌های عبارت مورد بحث در این دو خطبه نتایج زیر به دست می‌آید:

**الف.** یکسانی ترجمه‌ها در دو خطبه؛ از نظر لفظ و معنی به شرح زیر:

- ترجمه به شرط: دشتی (۱۳۷۶ش: ۶۶ و ۹۸).

- ترجمه به لفظ استثناء: انصاری (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۳۴۰ و ۴۹۰)، و شرقی (۱۳۶۹ش، ج ۱: ۱۳۷ و ۲۲۵)، و شیرازی (۱۴۰۱ق، ج ۱: ۲۷۳ و ۳۹۹).

**ب.** یکسانی ترجمه‌ها در دو خطبه از نظر معنی و ترادف لفظی به شرح زیر:

- ترجمه به مستثنی کردن در خطبه ۱۲۷؛ و به جدا کردن در خطبه ۱۷۶: اردبیلی (بی‌تا، ج ۱: ۱۲۲ و ۱۷۹)، و کاشانی (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۶۵ و ۸۳۶).

- ترجمه به بیرون آوردن در خطبه ۱۲۷؛ و به استثنا کردن در خطبه ۱۷۶: جوینی (۱۳۶۸ش، ج ۱: ۲۹۳ و ۴۳۵).

- ترجمه به تعهد در خطبه ۱۲۷؛ و به پیمان در خطبه ۱۷۶: زمانی (۱۳۷۶ش، ج ۱: ۲۹۶ و ۴۳۶).
- ترجمه به پیمان در خطبه ۱۲۷؛ و به تعهد در خطبه ۱۷۶: منصوری (۱۳۷۶ش، ج ۱: ۴۶۲ و ۵۷۶).
- ج. نزدیکی ترجمه‌ها از نظر معنی؛ بدون وحدت کامل معنایی به شرح زیر:
- ترجمه به پیمان در خطبه ۱۲۷؛ و به شرط در خطبه ۱۷۶: آقامیرزائی (۱۳۷۹ش، ج ۱: ۱۲۲ و ۱۹۲)، و آیتی (۱۳۷۷ش، ج ۱: ۲۹۵ و ۴۲۱)، و احمدزاده (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۱۶ و ۱۶۹)، و أرفع (۱۳۷۸ش، ج ۱: ۴۵۳ و ۶۳۹)، و شهیدی (۱۳۶۸ش: ۱۲۶ و ۱۸۶)، و مبشری (۱۳۶۶ش، ج ۱: ۴۸۵ و ۶۸۷).
- ترجمه به شرط در خطبه ۱۲۷؛ و به عهد در خطبه ۱۷۶ (سپهرخراسانی ج ۱: ۷۳۶ و ۷۹۱).
- ترجمه به شرط در خطبه ۱۲۷؛ و به تعهد در خطبه ۱۷۶ (انصاریان ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۸۷ و ۴۰۴).
- ترجمه به عهد در خطبه ۱۲۷؛ و به شرط در خطبه ۱۷۶ (عابدینی ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۳۷۱ و ۴۳۸).
- ترجمه به پیمان در خطبه ۱۲۷، و به قرار در خطبه ۱۷۶ (شریعت، ۱۳۶۹ش، ج ۱: ۱۸۵ و ۲۵۶) و (فیض الاسلام، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۳۹۵ و ۵۷۸).
- د. اختلاف ترجمه‌ها در دو خطبه به شرح زیر:
- ترجمه به پیمان در خطبه ۱۲۷؛ و به استثناء در خطبه ۱۷۶ (اولیائی، بی‌تا، ج ۱: ۴۲۷ و ۶۳۰).
- ترجمه به استثناء در خطبه ۱۲۷؛ و به شرط در خطبه ۱۷۶ (جعفری، ۱۳۷۲ش، ج ۱: ۳۸۱ و ۵۴۵).
- ترجمه به شرط در خطبه ۱۲۷؛ و به استثناء و شرط در خطبه ۱۷۶ (فقیهی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۲۴۵ و ۳۳۱)، (معادینخواه، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۲۴۵ و ۳۳۱).
- هـ منظور نشدن ترجمه در یکی از دو خطبه و یا ترجمه به مفهوم (بهشتی، بی‌تا، ج ۱: ۱۳۵ و ۱۹۵) و (فارسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱: ۱۴۵ و ۲۲۱).
- و. سهو در ترجمه در هر دو خطبه و یا یکی از آنها، و ترجمه آن در خطبه دیگر و یا بدون ترجمه به شرح زیر:
- ترجمه به میثاق در خطبه ۱۲۷؛ و یادآور شده بودیم که - سهو است- در خطبه ۱۷۶ (شاهین، ۱۳۶۱ش: ۳۳۱ و ۴۶۴).
- ترجمه به پیمان در خطبه ۱۲۷؛ و چنان که گفته شد- که سهو است- در خطبه ۱۷۶ (مقیمی، ۱۳۵۴ش، ج ۱: ۵۱۳ و ۷۰۹).
- ترجمه به "سبقت در پیروزی" - که سهو است- در خطبه ۱۲۷؛ و به "در پرورنده ایشان سابقه داشت" - که نیز سهو است- در خطبه ۱۷۶: (عمادزاده: ۱: ۴۳۸ و ۶۱۶).
- ترجمه به "پیروز بودیم" که سهو است- در خطبه ۱۲۷؛ و بدون ترجمه در خطبه ۱۷۶: (اسماعیلی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ۳۰۷ و ۴۶۱).

### نتیجه گیری

عبارت "استثناؤنا" در دو خطبه ۱۲۷ و ۱۷۶ نهج البلاغه تصحیف شده از "استیثاقنا" می‌باشد. و دلیل آن اولاً اختلاف چشمگیر در شرح و ترجمه یک عبارت در دو متن مختلف است که می‌تواند حاکی از اشکالی باشد که در عبارت وجود داشته؛ و گرنه دلیلی برای این همه اختلاف در شرح و ترجمه یک عبارت وجود ندارد. و راهنمای دیگر این است که بسیاری از مترجمان نهج البلاغه با این که عبارت "استثناؤنا" را پیش‌روی داشته‌اند توانسته‌اند به کمک سیاق آن را به مفهوم عبارت صحیح "استیثاقنا" یعنی پیمان، یا عهد ترجمه کنند.

از نظر ادبی این موضوع مربوط به جناس تصحیف می‌باشد - که همان تشابه کتابت حروف در زبان عربی است - و در برخی موارد می‌تواند یکی از علل اشتباه و اشکال متون باشد. چنان‌که عبارت تصحیف شده مورد بحث به گونه‌های مختلفی شرح و ترجمه شده که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

شرح "استثناؤنا" به: شرط، مقرر، حاکی از جمله «لا تحکما إلّا بالعدل» است و ترجمه آن به: شرط، استثناء، شرط و استثناء، قرار، یاد آوری، تعهد، پیمان، عهد آمده است.

در پایان به مترجمان متون قدیمی پیشنهاد می‌شود هر گاه ببینند عبارتی در کلامی آن‌گونه که باید در جایگاه خود قرار نگرفته، و یا چندان متناسب با سیاق کلام نیست این احتمال را در نظر گیرند که ممکن است آن عبارت تصحیف یا تحریف شده باشد.



## منابع

- آقامیرزائی، ناهید (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات بهزاد.
- آیتی، عبدالحمید (۱۳۷۷)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه.
- احمدزاده، ناصر (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران: انتشارات اشرفی.
- اردبیلی، حسین (بی تا)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- ارفع، سید کاظم (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات فیض کاشانی.
- اسماعیلی، امیر (۱۳۶۴)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات طاهری.
- امامی، جعفر و آشتیانی، رضا (بی تا)، ترجمه نهج البلاغه، ج ۲، چاپ ششم، قم: مؤسسه مطبوعاتی هدف.
- انصاری، حسین (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات قیام آزادی.
- اولیائی، سیدنبی‌الدین (بی تا)، ترجمه نهج البلاغه، بدون ذکر ناشر و محل انتشار.
- بهشتی، محمد (بی تا)، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات شهرپور و تابان.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوینی، عزیزالله (۱۳۶۸)، تصحیح ترجمه نهج البلاغه، مترجم نامعلوم، ج ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خوئی، میرزا حبیب‌الله (۱۳۸۱)، ترجمه نهج البلاغه (ضمن شرح عربی)، ج ۱۰، تصحیح سیدابراهیم میانجی، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- سپهرخراسانی، أحمد (۱۳۷۵)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران: انتشارات اشرفی.
- دشتی، محمد (۱۳۷۶)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- زمانی، مصطفی (۱۳۷۶)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ نهم، بدون محل نشر، انتشارات نبوی.
- شاهین، داریوش (۱۳۶۱)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دهم، بدون محل نشر، انتشارات جاویدان.
- شرقی، محمدعلی (۱۳۶۹)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، بدون محل نشر، انتشارات جاویدان.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۰)، ترجمه نهج البلاغه، اصفهان، کتابخانه مشعل.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۶۸)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شیرازی، عبدالمطلب (۱۴۰۱ هـ.ق)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: چاپخانه مروی.
- عابدینی مطلق، کاظم (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات آفرینه.
- فارسی، محسن (۱۳۷۶)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۴)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات صبا.
- کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، ویرایش و تنظیم، محمدجواد ذهنی، تهران: انتشارات پیام.
- مبشری، اسدالله (۱۳۶۶)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- معادیکخواه، عبدالحمید (۱۳۷۴)، ترجمه نهج البلاغه (خورشید بی غروب)، تهران: نشر ذره.
- مقیمی، محمد (۱۳۵۴)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی سور.
- منصور، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش اندیشه.
- انصاری قمی، محمدعلی (۱۳۲۷)، ترجمه منظوم نهج البلاغه، ج ۱۰، تهران: انتشارات علمی.

- جعفرى، محمدتقى (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسير نهج البلاغه، چاپ هفتم، ۲۷ ج، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
- فيض الاسلام، على نقى (۱۳۷۷)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات فقيه.
- قزوينى، محمدصالح (۱۳۸۰)، شرح نهج البلاغه، ۴ ج، تصحيح سيد ابراهيم ميانجى، تهران: چاپ اسلاميه.
- محمدى مقدم، قربانعلى (۱۳۶۵)، ترجمه و شرح نهج البلاغه (ترجمه شرح ابن ميثم)، چاپ اول، ۵ ج، مشهد، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى آستان قدس رضوى.
- ابن‌أبى الحديد، عز الدين (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، تحقيق، محمدأبوالفضل إبراهيم، ۲۰ ج، چاپ اول، مصر، داراحياءالكتبالعربيه.
- ابن ميثم، كمال الدين (۱۴۰۴هـ ق)، شرح نهج البلاغه (المصباح الكبير)، ۵ ج، چاپ دوم، تهران: خدمات چاپى.
- ابن ميثم، كمال الدين؛ ۱۳۶۶ ش، شرح نهج البلاغه (اختيار مصباح السالكين)، چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الإسلاميه.
- أبوالفضل إبراهيم، محمد (۱۴۱۶هـ ق)، تحقيق و شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، بيروت: دارالجيل.
- انصاريان، على (۱۴۰۷هـ ق)، شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الأنوار، ۳ ج، چاپ اول، تهران: وزارة الثقافة والإرشاد القومى.
- البيهقى، قطب الدين الكيدرى (۱۳۷۵)، شرح نهج البلاغه (حدائق الحقائق)، ۲ ج، چاپ اول، قم: مؤسسه نهج البلاغه و نشر عطارد.
- الحسينى الشيرازى، السيد محمد (بى تا)، توضيح نهج البلاغه، ۶ ج، تهران: دارتراث الشيعه.
- الخوئى، ميرزا حبيب الله (۱۳۸۱)، منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغه، ۱۰ ج، تصحيح السيد ابراهيم الميانجى، تهران: المكتبة الاسلاميه.
- الراوندى، سعيد بن هبة الله (۱۴۰۶هـ ق)، منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغه، ۳ ج، قم: مكتبة آية الله المرعشى العامه.
- السرخسى، على بن ناصر (۱۳۶۶)، أعلام نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: مؤسسه الطباعة و النشر لوزارة الثقافة والإرشاد القومى.
- عبده، محمد (بى تا)، شرح نهج البلاغه، ۲ ج، تهران: مؤسسه الأعلمى.
- مركز تحقيقات رايانه‌اى حوزه علميه اصفهان، دانشنامه جامع نهج البلاغه، اصفهان، مؤسسه خدماتى بصير رايانه.
- ابن حجة الحموى (۱۴۱۰هـ)، خزائن الادب و غاية الأرب. بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴هـ ق)، معجم مقاييس اللغة، قم: مكتب الإعلام الإسلامى.
- ابن منظور (بى تا)، لسان العرب، ج ۱۲ و ۱۸، مصر: دار المصرية للتأليف و الترجمة.
- أنيس، إبراهيم وزملاؤه (۱۳۹۲ ق)، المعجم الوسيط، چاپ دوم، ج ۲، مصر، مطابع دارالمعارف.
- أوس بن حنجر (۱۴۰۶هـ)، ديوان أوس بن حنجر. بيروت: دار بيروت للطباعة و النشر.

- حنفی داود، حامد (بی تا)، نهج البلاغه توثیقه و نسبتہ إلى الامام علی(ع)، مجموعه بحوث و مقالات حول نهج البلاغه، تهران: مؤسسه نهج البلاغه.
- الساحلی، منی سلیمان (۱۴۱۶هـ)، *التضاد فی النقد الأدبی*، بنغازی: جامعة قار یونس.
- سیدرضی، محمد (۱۴۰۶هـ ق)، نهج البلاغه، سخنان امیرالمؤمنین علی(ع)، تصویر نسخه نفیس خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، با مقدمه سید محمود مرعشی، قم: چاپخانه صدر.
- سیدرضی، محمد (۱۳۷۳)، نهج البلاغه، مقابله عزیزالله عطاردی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- شیرازیان، جمال الدین (۱۳۷۰)، *روش تحقیق انتقادی متون*، تهران: انتشارات لک لک.
- الطبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳هـ ق)، *تاریخ الأمم والملوک* (تاریخ الطبری)، ج ۴، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- الفیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵هـ ق)، *القاموس المحیط*، ضبط و توثیق یوسف الشیخ محمد البقاعی، بیروت: دارالفکر.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۲۹)، نقد و تصحیح متون، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- الهاشمی، احمد (بی تا)، *جواهر البلاغه*، مطبعة السعادة.
- امینی، محمد هادی (۱۳۷۸)، «نهج البلاغه بین عواصف التحریف والتقصان»، وقف میراث جاویدان ۲۵-۲۶.
- مهدوی راد، محمد علی، و سید علی دلبری (۱۳۹۰)، «آفت تصحیف در روایات و راهکارهای شناسایی آن»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، مندرج در پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه ۱۶-۳۵.